

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

انینة ایران

شباهنگ راد  
۱۷ اگست ۲۰۱۳

## گردستان در ۲۸ مرداد [اسد] ۵۸

اگر چه پیشاپیش و قبل از چنین روزی، کارگران، زحمتکشان، جوانان، زنان و به ویژه خلق رزمنده گرد، از تعرض و وحشیگری ارگان‌های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی مصون نبوده است؛ اگر چه حامیان تازه نظام‌های امپریالیستی، اولین بهار رهائی از زیر ستم شاهنشاهی را به‌کام میلیون‌ها توده محروم گرد تلخ نمودند؛ اگر چه هزاران کودک و انسان بی‌گناه را آواره و به مسلخ مرگ کشاندند، اما و به جرأت می‌توان گفت که ۲۸ مرداد ۵۸ نمایانگر عریانی هر چه بیشتر، و بازگشائی ورقی تازه، از ماهیت جنایت‌کارانی بود که همواره و به دروغ، خود را به‌عنوان مدافع حقوق پایه‌ی مردم، خلق‌ها و مستضعفین به دنیای بیرونی معرفی می‌نمودند. فرمانده و سردمدار رژیم جمهوری اسلامی در دوران بگیر و ببند و در دوران تخطئه جنبش‌های اعتراضی فرمان قتل عام خلق ستم‌دیده گرد را صادر نمود و مجریان نظام امپریالیستی هم، آن‌چنان جنایاتی در حق مردم محروم این منطقه مرتکب گردیدند که بیان و نگاه دوباره آن، تکان‌دهنده و دردآور است.

روز قبل از ۲۸ مرداد بود که خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان، در قم درباره بدیهی‌ترین خواست توده‌های ستم‌دیده گرد اعلام نمود: "... مرزها را آزاد کردند، قلم‌ها را آزاد کردند، احزاب را آزاد کردند، به خیال این که این‌ها یک مردمی هستند.... این‌ها خرابکارانند، دیگر با این اشخاص نمی‌شود با ملایمت رفتار کرد... این‌ها یک جمعیت خرابکار هستند. یک جمعیت فاسد هستند. این‌ها را ما نمی‌توانیم که بگذاریم که هر کاری که دلشان می‌خواهد بکنند. حالا هم اعتراض کرده‌اند که خود شماها دارید این کارها را می‌کنید. نظیر آن‌ها که پریروز و چند روز پیش آن خرابکاری را کردند... خودشان ایجاد غائله می‌کنند بعد گردن مردم می‌گذارند... یک چنین مردمی هستند... با این‌ها باید با شدت رفتار کرد و با شدت رفتار می‌کنیم..."

جرثومه‌های فساد و تباهی و منادیان سرمایه با چنین تفکر و آرمان کثیفی به جان میلیون‌ها توده رنج‌دیده گرد افتادند و به خیال خود بر این باور بودند، که به دلیل آزادی‌های بیش از حد قلم‌ها و احزاب، و در اثر نبود نابرابری‌ها و تبعیض‌ها بود که خلق گرد به میدان آمد و به مقابله با حامیان سرمایه برخاست؛ سردمدار فاسدان، خلقی را "فاسد" و "خرابکار" خواند تا طبقه فاسد و انگل‌صفت را تطهیر نماید؛ در مقابل ابتدائی‌ترین حقوق انسانی ایستاد تا بر حقوق عده‌ای جانی بیفزاید. آری جمهوری اسلامی از همان آغاز و با پی‌گیری سیاست ظالمانانه به جان مردم و خلق‌ها افتاد، از همان آغاز و با کار بست سلاح به سرکوب اعتراضات کارگری – توده‌ی پرداخت. خطاست که

سیاست‌های سرکوب‌گرایانه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را به بعد از ۲۸ مرداد ۵۸ مربوط بدانیم؛ خطاست این‌گونه بپنداریم که دستان کثیف سران حکومت، به خون هزاران کمونیست و مبارز و توده‌های محروم و همچنین قربانیان نظام امپریالیستی، قبل از ۲۸ مرداد ۵۸ آلوده نبوده است. این رژیم از ابتداء با نیروی سازمان‌یافته، در مقابل نیروی انقلاب و انقلابیون به صف شد. از همان آغاز به تجمعات خیابانی حمله نمود و از همان آغاز کارگران معترض را به گلوله بست. فراموش نشده است که طول عمرش، به سه ماهه نه کشید که ترکمن‌صحرا، سنج و دیگر شهرها و روستاها را به خاک و خون کشاند؛ فراموش نشده است که مردم و جامعه در پی چشیدن و تجربه دموکراسی نیمبند و رهائی از زیر ستم رژیم شاهنشاهی بودند که توسط ارگان‌های وابسته و سرکوبگر نظام جمهوری اسلامی مورد تعرض قرار گرفتند؛ تجربه و وقایع تلخی که بی‌گمان خلق رزمنده کرد از نتایج و ثمره آن‌ها بی‌نصیب نمانده است.

اگر چه بی‌مناسبت نیست تا بر این نکته تأکید گردد که به دلیل ویژگی جنبش کردستان، و به دلیل وجود هزاران نیروی مسلح و به دلیل حمایت بی‌دریغ و پتانسیل بالای مبارزاتی خلق رزمنده کرد، فضای شهرها و به ویژه روستاهای این منطقه با دیگر مناطق ایران، کاملاً متفاوت بود؛ همچنین بی‌مناسبت نیست و به‌جاست تا بر این موضوع تأکید گردد، که نگرانی و حساسیت رژیم در مسلح بودن خلق کرد مربوط می‌شد و سردمداران حکومتی از گستردگی آن وحشت داشتند و به درست بر این باور بودند، که تداوم آن می‌تواند صدمه ای جدی به کلیت نظام وارد سازد؛ اگر چه از درون و از بیرون و به‌منظور به انحراف کشاندن افکار عمومی، با الفاظ سوخته شده‌ای همچون "خرابکار"، "اجنبی" و "ضد انقلاب" به استقبال خلق کرد شناختند؛ اگر چه رئیس جمهور وقت «ابوالحسن بنی‌صدر» و در پی فرمان خمینی جلاد به ارگان‌های حافظ بقای سلطه امپریالیسم اعلام نمود: **"تا سرکوبی غائله کردستان پوتین‌ها را از پا در نیآورید"**؛ اگر چه سازمان اکثریت و آن‌هم به‌عنوان پادو و نیروی ضد انقلاب حاکم، مهر مخلان پیش‌رفت "انقلاب ضد امپریالیستی" را بر پیشانی خلق رزمنده کرد کوبید؛ اما در عوض و علی‌رغم تمامی فشارها و تقبل دربردی و آوارگی، خلق کرد هرگز تن به تسلیم نداد و تا آخرین لحظه برای تحقق خواسته‌های ابتدائی و دیرینه‌اش پای فشرد. بی‌دلیل نبود که خلخانی بعد از فرمان خمینی در ۲۸ مرداد، اعدام‌های صحرائی به راه انداخت و سینه صدها عنصر آزاده و رزمنده کرد را و آن‌هم با دستان بسته و شکسته به گلوله بست.

آری، سردمدار رژیم جمهوری اسلامی رمز پیروزی و دوام نظام را در سرکوب کارگران و زحمت‌کشانشان می‌دید؛ پایداری حاکمیت و منافع سرمایه‌داران را در کشت و گشتار خلق‌های ستم‌دیده می‌دید. از هنگامه به قدرت رسیدنش این‌چنین کرد و در حقیقت حادثه ۲۸ مرداد، تداوم و نسخه ای از قبل پیچیده شده قدرت‌مداران بزرگ جهانی برای سردمداران جدید ایران بود. هدف به عقب راندن اعتراضات همگانی و سراسری و به ویژه مبارزه مسلحانه خلق کرد بود؛ هدف خاموشی مناطق کردستان و آن‌هم به‌عنوان سنگر انقلاب بود؛ مناطقی که هزاران نیروی جوان و مسلح را در دل خود جای داد و به منطقه غیر نفوذ رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گردید.

در چنین دورانی صف‌بندی و رو در روئی مسلحانه دو نیروی انقلاب و ضد انقلاب را می‌شد در شهرها و به ویژه در روستاهای کردستان به‌عینه دید. تلاش نظام بر آن بود تا امنیت دلخواه سرمایه‌داران را تضمین نماید. همه قصدش بر آن بود تا این جنبش به‌حق و به‌جا را به عقب راند. گسیل نیروهای سپاه، بسیج و ارتش و استفاده از نیروی مسلح و محلی "جاش"، نمایان‌گر این واقعیات بود که تضمین منافع امپریالیست‌ها بدون پایان "غائله" کردستان ناممکن می‌باشد. بر مبنای چنین سیاستی بود که جنگ تمام عیاری را به توده‌های محروم کردستان تحمیل

نمود و با توپ و خمپاره‌باران‌های بی‌وقفه، شکستن دیوارهای صوتی و اذیت و آزار زنان و جوانان زندگی را به‌کام میلیون‌ها انسان محروم تلخ نمود.

ناگفته نماند که جنبش کُردستان علی‌رغم نارسائی‌ها و علی‌رغم کمکاری‌های نیروهای سیاسی درون آن، از جایگاه و نقش ویژه‌ای برخوردار بود؛ جنبشی که سلاح به دست گرفت و در برابر تعرضات بی‌امان سرکوب‌گران و حامیان رنگارنگش ایستاد. مگر بی‌دلیل بود که همه نگاه‌ها به کُردستان دوخته شد و اخبار درگیری پیشمرگان مسلح، با ضد انقلابیون مسلح به سر تیترا اخبار مبارزاتی جنبش‌های انقلابی ایران تبدیل گردید؟ اخباری که حکایت از ایثارگری، بُردباری و مقاومت خلقی داشت که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، کمر به عقب‌نشینی و نابودی آن بسته بودند. متأسفانه باید اذعان نمود که جمهوری اسلامی در اثر بی‌تدبیری و بی‌درایتی سیاسی سازمان‌های سیاسی آن‌زمان، توانست جنبش مسلحانه کُردستان را به عقب راند، اما هرگز و هرگز قادر نگردید تا بر ذهن سراسر کین میلیون‌ها انسان محروم غلبه یابد. این جنبش به دلیل سابقه مبارزاتی مسلحانه و جان‌فشانی‌های بی‌دریغش در میان نیروهای آزاده و وفادار به منافع مردمی، همچنان پایدار و زنده است. در مقابل، جنبشی که یادآور خاطرات تلخ برای همه مزدوران و وابستگان به نظام سراسر خشن و مسلح می‌باشد.

جای دارد تا در سی‌وچهارمین سال‌گرد ۲۸ مرداد، که منجر به جان‌باختن هزاران انسان بی‌گناه و کمونیست و مبارز گردید، یک‌بار دیگر بر این‌موضوع تأکید گردد که راهکار و علاج رهائی توده‌های ستمدیده و به ویژه خلق کُرد، در اتخاذ سیاست‌های تعرضی نیروهای مدافع وی نهفته می‌باشد. به این دلیل که این نظام در عمل نشان داده است که با هیچ منطق و زبانی به غیر از کار به بستن زور و بگیر و ببند آشنا نیست؛ سردمداران رژیم جمهوری اسلامی اصلاً و ابداً جایی برای تبادل نظر، و جایی برای گفت‌وگو سیاسی به‌منظور سازندگی جامعه و به رسمیت شناختن حقوق پایه‌ی خلق‌ها باقی نگذاشته‌اند. هر آنچه در چنته داشته و دارند، به سرکوب خواسته‌های کارگران و خلق‌ها پرداخته و می‌پردازند. با این تفصیل تنها با عروج سازمان کمونیستی عمل‌گرا و با هوشیاری و مهمتر از آن‌ها با انتخاب سیاست و تاکتیک صحیح‌ست که توده‌های ستمدیده و خلق رزمنده کُرد قادر خواهند گردید به خواسته‌های دیرینه خویش دست یابند.

۱۶ اگست ۲۰۱۳

۲۵ مرداد [اسد] ۱۳۹۲